آژیر

سمند قاچاقچیان از نفس افتاد

صدرا– فرمانده انتظامی استان از کشف ۵۰ کیلوگرم تریاك و ۴۸ کیلو و ۵۰۰ گرم حشیش در نهبندان خبر داد.
به گفته سردار «مجید شجاع» مأموران انتظامی این شهرستان هنگام کنترل محورهای عبوری به دو دستگاه سواری سمند مشکوك و خودروها را برای بازرسی متوقف کردند.
وی افزود: مأموران در بازرسی از این خودروها ۵۰ کیلوگرم تریاك و ۴۸ کیلو و ۵۰۰ گرم حشیش که به طرز ماهرانه ای جاساز شده بود کشف و ضمن توقیف خودروها دو قاچاقچی را دستگیر کردند.

واژگونی پژو ۲۰۶ در محور دلهره

واژگونی یک دستگاه پژو ۲۰۶ در محور قاین - بیرجند سه مجروح برجا گذاشت.
رئیس پلیس راه استان گفت: با اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تصادف در محور قاین - بیرجند بلافاصله مأموران پلیس راه به همراه گروه امداد به محل سانحه اعزام شدند.
سرهنگ «حسین رضایی» افزود: مأموران با حضور در صحنه مشاهده کردند که یک دستگاه پژو ۲۰۶ واژگون شده است که در این سانحه، راننده و دو نفر از سرنشینان مجروح و برای مداوا به بیمارستان منتقل شدند. به گفته وی کارشناسان پلیس راه علت حادثه را بی احتیاطی راننده پژو ۲۰۶ به علت توجه نکردن به جلو اعلام کردند.

کشف ۷۰ میلیونی البسه قاچاق در طبس

فرمانده انتظامی طبس از کشف کالای قاچاق به ارزش ۷۰ میلیون ریال در این شهرستان خبر داد.
سرهنگ «محسن جلالیان» با اشاره به این که روز گذشته مأموران انتظامی شهرستان در اجرای طرح ممنوعیت ورود کالای قاچاق، به یك دستگاه پژو پارس مشکوک و خودرو را برای بازرسی متوقف کردند افزود: در بازرسی از خودرو ۸۴۰ ثوب انواع البسه خارجی قاچاق که بدون هرگونه اسناد گمرکی بود کشف شد.
وی تصریح کرد: کارشناسان ارزش کالای قاچاق کشف شده را ۷۰ میلیون ریال برآورد کردند که در این رابطه سه متهم به مراجع قضائی معرفی شدند.

جسد حلق آویز در پذیرایی

رضایی– جسد حلق آویز مردی در پذیرایی منزلش کشف شد.
به گزارش روزنامه خراسان جنوبی، برابر اعلام یکی از شهروندان به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی براین که فردی در منزلش خود را حلق آویز کرده ماموران انتظامی در محل حاضر و مشاهده کردند مردی در پذیرایی منزلش حلق آویز است.
پس از این به منظور بررسی این حادثه مقام قضایی، کارآگاهان جنایی و پزشکی قانونی در صحنه حاضر شدند. در این گزارش آمده است، کارآگاهان جنایی با بررسی صحنه جرم و وضعیت جسد وقوع جنایت را رد کردند اما باز هم جسد برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. بنا براین گزارش، یکی از اقوام متوفی به ماموران مراجعه کرد و اظهار داشت که متوفی به دلیل اختلاف خانوادگی دست به این اقدام زده است و البته او هفته پیش هم قصد داشت خود را حلق آویز کند که جلوگیر او شدیم.
در پیگیری خبرنگار ما سرهنگ «حسینی» رئیس پلیس آگاهی استان موضوع حلق آویز شدن مرد ۳۴ ساله ساکن یکی از شهرستان های استان را تایید کرد.

پژو ۴۰۵ با ۱۷۴ کیلومتر سرعت متوقف شد

جانشین پلیس راه استان از توقیف یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ که با سرعت غیر مجاز ۱۷۴ کیلومتر در حرکت بود خبر داد.
سرهنگ «نیک مرد» با بیان این خبر گفت: روز گذشته تیم کنترل سرعت پلیس راه «نهبندان» هنگام کنترل خودروهای عبوری یک دستگاه پژو ۴۰۵ را که با سرعت ۱۷۴ کیلومتر حرکت می کرد متوقف کردند.
به گفته وی راننده خودرو به علت ارتکاب تخلفات حادثه ساز «سرعت و سبقت غیر مجاز» دو میلیون ریال جریمه و ۱۰ نمره منفی در سوابق گواهینامه وی ثبت و پس از اعمال قانون خودرو روانه پارکینگ شد.

مفقود شده
برگ سبز اتومبیل سمند ال ایکس به رنگ سفید مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۲۷۲-۵۲ص۴۸ و شماره بدنه ۱۲۴k۱۰۰۱۴۵۲ و شماره شاسی NAAC۹۱CE۴HF۱۲۲۰۳۷ مفقود گردیده و از درجه اعتباط ساقط می باشد.
۹۵۳۵۰۶۳۱/ج

دعوای دو بچه به چاقوی دسته‌زرد ختم شد

علیرضا رضایی– روز گذشته جلسه رسیدگی پرونده متهم به چاقو کشی و ایراد ضرب و جرح در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان برگزار شد.
به گزارش روزنامه خراسان جنوبی، در ابتدای جلسه قاضی طرفین را به آرامش دعوت کرد و خلاصه ای از پرونده برای حاضرین عنوان کرد و گفت: سوم تیر ماه امسال مصادف با ماه مبارک رمضان خبر یک درگیری به پلیس مخابره می شود که موضوع بنا به اظهارات طرفین این بوده که ساعت ۱۱:۳۰ شب بین چند بچه هم سن و سال درگیری لفظی به وجود می آید و یکی از بچه ها عموی خود را که در آن حوالی مغازه داشته صدا می زند و درخواست کمک می کند که عمو مشاهده می کند فردی که با بچه برادرش درگیر شده یکی از آشنایان و پدرش مشتری همیشگی مغازه اش می باشد بنابراین موضوع را با دعوای لفظی خاتمه می دهد اما در این بین یکی دیگر از بچه ها بنا به ادعای متهم حرف رکیکی به او می زند که مغازه دار بر می گردد و سیلی محکمی به صورت پسر بچه می زند.
«رمضانی» افزود: با سیلی زدن دهان پسر بچه پر از خون می شود که اهالی حومه مغازه به پدر بچه اطلاع می دهند که با حضور پدر پسر بچه کتک خورده درگیری لفظی بین او و مغازه دار که پسرش را کتک کاری کرده رخ می دهد.
وی با اشاره به این که ابتدا درگیری بین دو بچه دیگر بوده و دعوا مربوط به پسر شاکی نبوده گفت: اهالی محل به پدر پسر بچه دیگری هم اطلاع می دهند که فرزند او مورد کتک کاری قرار گرفته است که نامبرده با تعدادی از اقوام در محل حاضر و متوجه می شود فرد مغازه دار (متهم) پسرش را نزده است بلکه پسر یکی از اقوام مورد کتک کاری قرار گرفته که جلوی مغازه از صاحب کسب گلایه می کند که این موضوع باعث می شود درگیری آن ها رنگ خون بگیرد.
پس از صحبت های قاضی ، ابتدا شاکی (ن) در جایگاه ایستاد و گفت: شب حادثه در مراسم افطاری یکی از اقوام در مسجد بودیم که ناگهان تلفنم به صدا در آمد و شخصی به من گفت: (ق) پسر تورا دارد می کشد که من به محل مغازه (ق) مراجعه کردم در حالی که جمعی هم در آنجا حضور داشتند. وقتی به در مغازه متهم رفتم تا گلایه کنم که آیا زورش به بچه رسیده که او به من حمله ور شد و من هم به پلیس ۱۱۰ اطلاع دادم. در این بین آقای (ع)؛ یکی از اقوام به اتفاق چندتن دیگر در محل حاضر و پی گیر موضوع شد و گفت که (ق) از دوستان من است و با او صحبت می کنم.
(ع) رفت جلوی مغازه و فقط به متهم (ق) گفت: خجالت نکشیدی دست رو بچه بلند کردی و من در همین هنگام ۱۲ متر از (ع) دور بودم که ناگهان گفت: آخ ، چاقو خوردم که او را با ماشین خودش به بیمارستان منتقل کردم اما تا زمان سوار کردن مصدوم در خودرو متهم شیشه های نوشابه را که جلوی دست او بود به سمت من و(ع) پرتاب می کرد.

• قاضی: زمان چاقو خوردن آقای (ع) را توضیح دهید؟

شاکی: من ۱۲ متر از آنها دور بودم. وقتی (ع) با (ق) درگیر شد فقط دیدم که او را اهل داد و (ق) روی موتورسیکلتی افتاد که آن جا بود و(ع) به سمت من آمد و گفت: چاقو خوردم.

• قاضی: شما هم در این درگیری جراحت برداشتید، توضیح دهید؟

شاکی: وقتی (ع) نزد من آمد متوجه شدم چاقو خورده بنابراین او را داخل ماشین خودش گذاشتم و همان موقع متوجه شدم صورت خودم داغ شده است که ابتدا فکر کردم خون (ع) روی صورت من پاشیده اما وقتی دست کشیدم فهمیدم پیشانی من جراحت برداشته است.

• قاضی: شما چاقو را در دست متهم مشاهده کردید؟

شاکی: در لحظه اول نفهمیدم اما بعد متوجه شدم چاقوی دسته زردی بود. در ادامه دیگر شاکی که چاقو پهلو و شکم او را پاره کرده بود در جایگاه ایستاد و شکایت خود را علیه متهم عنوان کرد و گفت: درگیری بین بچه (ن) و بچه برادر متهم بود.
من برای پا در میانی فقط جلوی در ایستادم و گفتم خجالت نکشیدی که از پشت با من درگیر شد.
جلوی در مغازه او را اهل دادم اما چاقو در دستش بود و سوزشی در پهلوی راست خود احساس کردم.
گرم بودم و وقتی قدم دوم را برداشتم کفش هایم پر خون شده بود اما وقتی به آقای (ن) رسیدم به او گفتم (ق) مرا با چاقو زد و دیگر لرز بدن مرا گرفت که با خودروی خودم به بیمارستان منتقل شدم.

• قاضی: چاقو چه شکلی بود؟

شاکی: مثل نیزه یعنی دو لبه برنده داشت. وقتی در بدنم فرو کرد سر چاقوی دسته زرد از جلوی شکم من بیرون آمده بود و آسیب به کبد من زد.
در ادامه قاضی متهم را به جایگاه فراخواند و ضمن تفهیم اتهام از او خواست تا دفاعیات خود را مطرح کند. متهم گفت: ساعت ۱۱ شب بود که مشتری داشتم. صدایی جلوی مغازه بلند شد که می گفت: عمو مرا کشتند که بیرون آمدم و دیدم ۱۰ تا ۱۵ بچه دور پسر برادرم حلقه زده اند که جلو رفتم و پسر (ع) را دیدم و موضوع را تمام کردم اما پسر (ن) حرف بدی به من زد و من هم او را هل دادم و سیلی به او زدم و فکر کردم موضوع تمام شده است اما یکی از کسبه محل به پدر او اطلاع داد و سپس (ع) با تعدادی زیاد جلوی مغازه من جمع شدند که جر و بحث ها به درگیری فیزیکی ختم شد، اما من فقط شیشه های نوشابه را پرت و سپس فرار کردم و در داخل پارکی نشستم و موضوع را تلفنی به برادرم اطلاع دادم.
در ادامه قاضی به قرائت بخشی از گفته های شاهدان ماجرا که همگی به اتفاق اظهار داشته اند که متهم با چاقو (ع) را زده است پرداخت که باز هم متهم در پاسخ قاضی گفت: من چاقویی نداشتم فقط قبول دارم که شیشه نوشابه به سمت هر دو نفر پرت کردم.
در ادامه «قانعی» وکیل تسخیری متهم از موکل خود دفاع کرد. قاضی پرونده خطاب به شاکی (ن) گفت: باتوجه به این موضوع که ضرب و جرح شما با استفاده از چاقو در شک و شبهه می باشد باید برای اثبات این موضوع در صحن دادگاه قسم یاد کنید که شکاف روی پیشانی شما با چاقوی متهم به وجود آمده است که شاکی (ن) در صحن دادگاه قسم خورد.
دوباره متهم در جایگاه ایستاد و برای آخرین بار اتهام به وی تفهیم و آخرین دفاعیات خود را مطرح کرد.
متهم با مکثی طولانی در مقابل قضات دادگاه کیفری یک گفت: فقط شیشه نوشابه پرت کردم.
در پایان قاضی «رمضانی» ختم رسیدگی را اعلام کرد و گفت: حکم به طرفین ابلاغ خواهد شد.

مصرف مواد مخدر راه را برای ارتکاب دیگر جرایم هموار می کند

ایمان – وابستگی و استعمال مواد مخدر چشم اندازهای تاریکی پیش روی فرد مصرف کننده قرار می دهد و راه را برای ارتکاب جرایم دیگر هموار می کند. دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان با بیان این مطلب که تردیدی نیست مصرف مواد مخدر و انواع روانگردان ها مرگ تدریجی یک انسان را به دنبال دارد گفت: استعمال مواد مخدر راه را برای ارتکاب جرایم و جنایات بزرگ هموار می کند به طوری که گاه فرد حاضر است برای به دست آوردن این مواد جان خود را به خطر بیندازد.
«زندی» افزود: سرقت، غارت، قتل و... از جمله اقدام هایی است که فرد معتاد مرتکب می شود.
وی ادامه داد: خانواده ها باید با آموزه های دینی مراقب فرزندان و جوانان خود باشند تا در دام شوم اعتیاد نیفتند زیرا بیرون آمدن از این باتلاق هزینه های هنگفت و بعضی اوقات بدون نتیجه ای را بر خانواده و جامعه تحمیل می کند.
وی عنوان کرد: بر اثر مصرف مواد مخدر کارایی سامانه عصبی کاهش یافته و توانایی فرد معتاد برای انجام فعالیت های سازنده و مورد علاقه خود کمتر می شود.

شناسایی گروه تلگرامی مستهجن با ۲ هزار عضو

علیرضا رضایی– گروه تلگرامی که با ۲ هزار عضو اقدام به انتشار تصاویر مبتذل و مستهجن می کرد در مرکز استان شناسایی و عامل اصلی گروه دستگیر شد.
فرمانده انتظامی استان به خراسان جنوبی گفت: ماموران پلیس فتای استان در بررسی و پایش فضای مجازی با یک گروه تلگرامی با ۲ هزار عضو مواجه شدند که با تحقیق بیشتر دریافتند در این گروه عکس و فیلم های مبتذلی بارگذاری می شود.
سردار «مجید شجاع» افزود: ماموران پلیس فتا با انجام اقدامات سایبری مدیر گروه را شناسایی و نامبرده را که در بیرجند زندگی می کرد دستگیر کردند.
وی ادامه داد: متهم ۲۷ ساله در بازجویی عنوان کرد چون بیکار بودم برای خودم یک گروه تلگرامی راه اندازی کردم و از آنجایی که گروه عضو کمی داشت اقدام به بارگذاری عکس ها و فیلم های مبتذل کردم.
سردار «شجاع» تصریح کرد: با اقرار متهم پرونده به مراجع قانونی ارسال شد و گروه مستهجن نیز از اینترنت حذف شد.

آقای شیک پوش در دام قانون

رضایی– جای هیچ شکی را باقی نگذاشته بود. به ذهن کسی هم خطور نمی کرد که روزی سر انجام معامله با آقایی با این سر و وضع آراسته به کلانتری و پلیس ختم شود.
مرد قبل از مراجعه به کسبه ظاهرش را آراسته می کرد تا جای هیچ شبهه ای باقی نماند.
سوژه ها هم کسبه شهر بیرجند بودند. در هر بار مراجعه سمتی عنوان می شد و...
رئیس پلیس آگاهی استان به خبرنگار خراسان جنوبی گفت: چند تن از کسبه شهر بیرجند با مراجعه به پلیس اعلام کردند که فردی با ظاهر آراسته و شیک با عناوینی مختلف چون مامور خرید جهاد کشاورزی، کارپرداز یکی از ادارات دولتی و... به آن ها مراجعه و اقدام به خرید کالا کرده و در قبال هزینه آن سفته در اختیارشان قرار داده است.
سرهنگ «حسینی» با اشاره به این که مامور خرید یا کارپرداز نباید سفته به کسبه بدهد افزود: این فرد با شیوه های مختلفی کسبه را گول زده و اقدام به خرید کرده است.
وی افزود: پس از مراجعه تعدادی از کسبه و اعلام شکایت و شروع تحقیقات روز به روز بر تعداد شاکیان پرونده کلاهبرداری آقای شیک پوش اضافه می شد تا این که کارآگاهان در تحقیقات متوجه شدند امضاهای روی سفته ها جعلی است و سفته به نام فرد دیگری نوشته شده است. سرهنگ «حسینی» اضافه کرد: کارآگاهان با استفاده از شگردهای خاص پلیسی متهم شیک پوش را در یکی از خیابان های اصلی شهر شناسایی و با تعقیب و مراقبت با یک اقدام ضربتی وی را دستگیر کردند.
وی عنوان کرد: متهم ۳۵ ساله در بازجویی های اولیه منکر هر گونه کلاهبرداری شد تا این که وقتی ۲۰ شاکی پرونده متهم را شناسایی کردند وی لب به اعتراف گشود و به ۲۰ فقره کلاهبرداری از کسبه بیرجند اعتراف کرد. این مقام انتظامی با بیان این که هنوز تحقیقات در این زمینه ادامه دارد گفت: تاکنون ۵۰۰ میلیون ریال کلاهبرداری این متهم محرز شده است و وی با تکمیل پرونده در اختیار مقامات قضایی قرار گرفت.

سیاه ، سفید ، خاکستری

دلدادگی خیابانی

با رامین در خیابان دوست شدم، او اولین به من ابراز عشق و علاقه می کرد و من هم که در همان زمان برادرم را در تصادف از دست داده بودم مجذوب او شدم و رابطه ما صمیمی و به ازدواج ختم شد.
زن جوان ناراحت و پریشان وارد اتاق مرکز مشاوره آرامش فرماندهی انتظامی استان شد و در حالی که نگاهش را به زمین دوخته بود آرام روی صندلی نشست و حرف هایش را اینگونه آغاز کرد.
دخترآخر خانواده بودم، چهار خواهر دارم که همگی آنها در سن پائین ازدواج کردند و به خانه شوهر رفتند اما من این طور شوهر کردن را دوست نداشتم و می خواستم همسر آینده ام را خودم انتخاب کنم.
سال سوم دبیرستان بودم که یك روز با پسری جوان در خیابان دوست شدم. رامین از همان اول به من بسیار ابراز عشق و علاقه می کرد و می گفت دیوانه من است و بدون من نمی تواند زندگی کند و من که در همان زمان برادرم را در تصادف از دست داده بودم به او جذب شدم و رابطه ما بسیار صمیمی شد.
رامین می گفت شغلش آزاد است و با توجه به صحبت هایش معلوم بود که وضعیت خانواده اش خوب است و من خیلی خوشحال بودم چون احساس می کردم می توانم وضعیت نابسامان زندگی خود را اصلاح کرده و وارد خانواده ای شوم که اوضاع بهتری نسبت به خانواده ام دارند.
روز ها گذشت و دوستی ما ادامه داشت تا این که یك روز متوجه تماس های مشکوک او شدم، چند بار که در پارك با هم بودیم و در مورد تماس های مشکوکش پرسیدم با پرخاشگری به من گفت به تو ربطی ندارد و دیگر نباید در این جور مسایل دخالت کنی چند بار هم برای همین مسئله کتکم زد.
با این وجود چون نمی خواستم او را از دست بدهم با اصرار به خواستگاریم آمد و علی رغم مخالفت شدید خانواده اش من و او عقد کردیم. الان یک سال از عقدمان می گذرد و من بعد از این که وارد خانواده او شدم تازه فهمیدم که نه تنها وضعیت زندگی آنها از خانواده من بهتر نیست بلکه تمام حرف های رامین در مورد زندگی و خانواده اش دروغ بوده است.
پدر و مادر او معتاد بودند و برادرانش مدام در پارتی های شبانه شرکت می کردند و بعضی وقت ها او را نیز با خود می بردند. چند روز پیش بود که متوجه شدم رامین حلقه از دواجمان را فروخته تا بتواند برای پدر و مادرش مواد تهیه کند و الآن هم می گوید من به تو هیچ علاقه ای ندارم و دیگر تو را نمی خواهم به خاطر همین دچار افسردگی شدید شده ام حتی یك بار اقدام به خودکشی کردم الآن هم بسیار نگران زندگی و آینده و آبرویم هستم و نمی دانم باید چکار کنم...
کارشناس مرکز مشاوره آرامش فرماندهی انتظامی استان در این باره عاقبت دوستی های نامتعارف بین دختران و پسران را ناگوار و آسیب زا عنوان کرد و گفت: افراد به واسطه دوستی با جنس مخالف تحت تأثیر احساسات قرار گرفته و در نتیجه نمی توانند تصمیم درست و منطقی بگیرند در نتیجه ازدواج کرده و بعد از آن نواقص خودش را نشان داده و مشکلات شدید می شود و در عین حال به هم بدبین می شوند.
وی با بیان اینکه همنشینی و ارتباط با افرادی که در اطراف ما زندگی می کنند تأثیر بسیار زیادی بر روند زندگی و نوع رفتار ما دارد اظهار داشت: در مصاحبه هایی که با افراد مجرم و آسیب دیده انجام گرفته اکثر آنها یکی از علل مهم مشکلات رفتاری ایجاد شده را همنشینی و تأثیر پذیری از اطرافیان و دوستان خود می دانند و حتی این مسئله بر ازدواج و آینده آنها نیز تأثیر گذار بوده است. این کارشناس ارشد مرکز مشاوره پلیس، در مورد سرگذشت زن جوان که به مرکز مشاوره مراجعه کرده گفت: این شخص علی رغم اینکه همیشه دوست داشته زندگی سالمی داشته باشد اما به انواع مشکلات و بیماری های روانی دچار شده است چون مسیر و شریک زندگی خود را اشتباه انتخاب کرده است
وی بیان داشت: اگر افراد خود را محکوم سرنوشت ندانسته و با مسئولیت پذیری خود مشکلات را از پیش پایشان برداشته و شرایط زندگی خود را تغییر دهند می توانند زندگی همراه با آرامش داشته باشند همانطور که اگر زندگی اکثر افراد مشهور را مطالعه کنیم خانواده های متحول و با سبک زندگی ایده آلی نداشته اند این شخص با انتخاب یک شریک نامناسب می خواسته شرایط بد زندگیش را تغییر دهد ولی از چاله به چاه افتاده است.

جالب ترین خبرهای روز جهان در ستون «۴۰ گوشه دنیا» هر روز در صفحه «صبح بخیر سلام»

کارت هوشمند کامیون به شماره ۲۰۹۰۷۷۰ اینجانب احمد بی باک به شماره شناسنامه ۶۲۸۹۳۷۹۰۹۷ فرزند دوشم گلدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
۹۵۳۵۰۶۰۱/ج

۹۵۳۵۰۴۶۲/ج

۹۵۳۵۰۴۴۱/ج

۹۵۳۵۰۸۳۱/ش